

Original Article

Ethical Effects of Controlling Sexual Abuse in the Holy Quran and Islamic Narrations

Ebrahim Baghdadi¹, Mohammad Kazem Rahman Setayesh^{2*}, Asghar Arabian³

1. Ph.D. Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Qom University, Qom, Iran. (Corresponding Author) Email: Kr.setayesh@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 12 Oct 2019 Accepted: 1 Feb 2020

Abstract

Background and Aim: Sexual abuse is one manifestation of social and ethical deviations with unfavorable effects on the various individual and social domains. Due to the same reason, the primary goal of the present study is investigating the cases and examples of the sexual abuse from the jurisprudential perspectives as well as investigation of the ethical effects of the sexual abuse control as stated in the religious teachings, including holy Quran's ĀYĀT and narrations.

Materials and Methods: The present study has been authored with a descriptive-analytical approach and through the use of documentary and library resources like holy Quran's ĀYĀT and narrations as well as the perspectives of the Shiite jurisprudents and individuals with knowledge about Islam.

Findings: Methods of the sexual abuse control causes the corroboration of the family's foundation, creation of a spirit of balance and moderation in the society's ethics, secondary avoidance of the sexual deviations, strengthening of the tendencies towards marriage, prevention of immoralities and lewdness, preservation of the human beings' chastity and veneration as well as prevention of the newly emerging sexual abuses amongst the children and adolescents; all of the aforesaid cases are amongst the examples of the ethical control in the area of the individual and collective relations.

Conclusion: The known examples of sexual abuse incorporate a vast spectrum of physical, verbal and nonverbal sexual abuse as mentioned in jurisprudence and Islamic teachings and this is reflective of the importance of human veneration, prevention of the damage to the physical and psychological security of the human beings, punishment and informing of the society for and about the unfavorable unethical deeds and offering solution for proper and ideal ethical life.

Keywords: Sexual Abuse; Ethics; Islamic Ethics; Jurisprudence; ĀYĀT and Narrations

Please cite this article as: Baghdadi E, Rahman Setayesh MK, Arabian A. Ethical Effects of Controlling Sexual Abuse in the Holy Quran and Islamic Narrations. *Bioethics Journal*, Special Issue on Bioethics and Citizenship Rights 2020; 255-266.

آثار اخلاقی کنترل تعرض جنسی در قرآن کریم و روایات اسلامی

ابراهیم بغدادی^۱، محمدکاظم رحمان ستایش^{۲*}، اصغر عربیان^۳

۱. دانشجوی دکتر رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Kr.setayesh@gmail.com

۳. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۰ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: تعرض جنسی یکی از جلوه‌های انحرافات اجتماعی و اخلاقی است که آثار نامطلوبی بر حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی می‌گذارد. به همین دلیل هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی موارد و مصادیق تعرض جنسی از منظر فقهی و همچنین بررسی آثار اخلاقی کنترل تعرض جنسی نزد آموزه‌های دینی اعم از آیات و روایات است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای نظیر آیات و روایات و همچنین دیدگاه‌های فقها و اسلام‌شناسان شیعی نگاشته شده است.

یافته‌ها: شیوه‌های کنترل تعرض جنسی باعث تقویت نهاد خانواده، ایجاد روحیه تعادل و میانه‌روی در اخلاق جامعه، دوری‌گزینی ثانویه از انحرافات جنسی، تقویت گرایش به ازدواج، جلوگیری از بی‌بند و باری اخلاقی، حفظ عفت و کرامت بشر و همچنین جلوگیری از تعرضات جنسی نوظهور در میان کودکان و نوجوانان می‌شود که همگی از مصادیق کنترل اخلاق در حوزه روابط فردی و جمعی هستند.

نتیجه‌گیری: مصادیق متعین تعرض جنسی در فقه و آموزه‌های اسلامی طیف متعددی از تعرض جنسی فیزیکی، کلامی و غیر کلامی هستند که نشانگر اهمیت کرامت انسان، جلوگیری از خدشه‌دار شدن امنیت روانی و فیزیکی وی، تنبیه و آگاه‌سازی جامعه از آثار نامطلوب اخلاقی و ارائه راه حل برای زیست اخلاقی مناسب و ایده‌آل است.

واژگان کلیدی: تعرض جنسی؛ اخلاق؛ اخلاق اسلامی؛ فقه؛ آیات و روایات

مقدمه

تعرض جنسی، از جمله انحرافات اجتماعی است که در آیات و روایات نکوهش شده است و آسیب‌های ناشی از آن بر مسائل فردی و اجتماعی نیز اثرگذار است. این انحراف علاوه بر افزودن به احساس ناامنی اجتماعی، موجب ترس و افسردگی قربانیان تعرض و در نتیجه محدود شدن آزادی فردی و کاهش مشارکت اجتماعی آنان می‌شود. به طور کلی، تعرض جنسی دارای چهره‌ها و ابعاد مختلفی است و با گذر زمان، ممکن است چهره‌های آن نیز دستخوش تغییراتی شود. چندین عامل امروزه موجب افزایش نرخ تعرض جنسی و تبدیل آن به یک معضل اجتماعی شده است؛ که از جمله می‌توان به، توسعه شهرنشینی، افزایش حضور زنان در جامعه، برداشته‌های نادرست درباره فرهنگ جنسیتی در جامعه، سکوت ناخواسته از سر جبر اجتماعی بزه‌دیدگان و گسترش هرج و مرج ناشی از تولد فرزندان بی‌سرپرست اشاره نمود. علاوه بر این، روش‌های مقابله با تعرض جنسی در نزد مکاتب و نظام‌های حقوقی تفاوت‌های قابل توجهی را نشان می‌دهند. به عنوان مثال، نظام حقوقی ایران که منبعث از آموزه‌های دینی و فقهی است، روش‌ها و ابزارهای متفاوتی برای کنترل تعرض جنسی به عنوان یک انحراف اجتماعی و حتی جرم اجتماعی در نظر می‌گیرد. تعرض جنسی غالباً به عنوان تعرض فیزیکی و یا آزار جنسی فیزیکی مورد توجه قرار می‌گیرد، اما آنچنانکه بررسی آموزه‌های فقهی و دینی نشان می‌دهند، موارد تعرض جنسی بسیار پیچیده و متعدد هستند و حتی ارتباط گسترده‌ای میان انواع تعرض وجود دارد. چه اینکه عدم جلوگیری از تعرض کلامی، باعث ترویج فرهنگ تعرض جنسی در انواع و اقسام آن می‌شود که ممکن است سلامت روانی و اخلاقی جامعه را نیز مورد تهدید قرار دهد. در همین راستا هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی مصادیق تعرض جنسی و آثار اخلاقی آن بر جامعه و افراد است. بنابراین به طور مشخص، آثار فردی و اجتماعی تعرض جنسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که در ارتباط با آن هم می‌توان مصادیق تعرض جنسی را مورد واکاوی قرار داد و هم این‌که راهکارهای جلوگیری از آن را از منظر آموزه‌های فقهی به بحث گذاشت. مهم‌ترین ضرورتی که برای انجام

چنین تحقیقی وجود دارد، ایجاد درک جامعی از امنیت و آرامش جامعه و شهروندان از مجرای بیان مصادیق تعرض جنسی جهت آگاهی جامعه، مقامات قضایی و فرهنگی، پیشگیری از تعرض جنسی، شناخت ابعاد تعرض جنسی، مصادیق و گونه‌های آن و همچنین ارائه راهکار برای جلوگیری و کنترل آن از منظری اخلاقی است؛ ضمن این‌که در نزد آموزه‌های دین اسلام، ابعاد اجتماعی انحرافات اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار هستند و به همین دلیل، واکاوی آثار اخلاقی ناشی از آن می‌تواند راه را برای مقابله با جلوه‌های جدید تعرض جنسی نمایان سازد. در این مقاله، ابتدا مفهوم تعرض جنسی و انواع آن از دیدگاه فقهی و حقوقی و مجازات هر یک بررسی و سپس، آثار اخلاقی آن به بحث گذاشته می‌شود.

مفاهیم و اصطلاحات

۱- اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» شاخه‌ای از دانش است که به بررسی «خوب» و «بد» می‌پردازد و مبنایی برای قضاوت‌های ارزشی انسان‌ها پدید می‌آورد. اخلاق در اصطلاح، به معنای مجموعه ارزش‌هایی است که افراد آن را محترم شمرده و کمابیش به معرض اجرا درمی‌آورند و تخلف از آن‌ها وجدان اکثریت جامعه را ناراحت می‌کند و مبنای آن‌ها ترویج خوبی‌ها و کاهش بدی‌ها می‌باشد (۱). بنابراین اخلاق مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌هایی است که از آموزه‌های مذهبی و تعالیم معنوی سرچشمه می‌گیرند و بر پایه این اصول و ارزش‌ها، فرد رفتار و اعمال خود را کنترل و هدایت کرده درباره رفتار دیگران نیز قضاوت می‌کند (۲).

۲- اخلاق جنسی

اخلاق جنسی قسمتی از اخلاق به معنای عام است، و شامل آن عده از عادات و ملکات و روش‌های بشری است که با غریزه جنسی بستگی دارد. حیای زن از مرد، غیرت ناموسی مرد، عفاف و وفاداری زن نسبت به شوهر، ستر عورت، ستر بدن زن از غیر محارم، منع زنا، منع تمتع نظری و لمسی از غیر همسر قانونی، منع ازدواج با محارم، منع نزدیکی با زن در

ایام عادت، منع نشر صور قبیحه، تقدس یا پلیدی مجرد جزء اخلاق و عادات جنسی به شمار می‌روند (۳).

۳- تعرض جنسی

عبارت تعرض جنسی یک ترکیب وصفی متشکل از دو واژه تعرض و جنسی است. ریشه اصلی تعرض از ماده «عرض» می‌باشد؛ تعرض از اسم مصدر در باب تفعّل است و در لغتنامه در برابر واژه تعرض عباراتی نظیر ممانعت، زبردستی، جور و ظلم، ستم، دست‌درازی، زیان و نقصان، مزاحمت، اعتراض و مخالفت آمده است و تعرض کردن که یک مصدر مرکب است، به معنی مخالفت و ممانعت‌نمودن، بازداشتن، دست‌درازی کردن و آزاردادن آمده است (۴). آنچه در کتب فقهی از تعرض جنسی یا تجاوز جنسی تعبیر می‌شود کلماتی همچون «الإغتصاب»، «الإغتصاب علی النساء و البنات» و یا «الإعتداء علی الشرف» می‌باشد. همچنین هتک ناموس که در فارسی با تعرض جنسی نزدیک است، در کتب فقهی با إنتهاک الأعراض شناخته می‌شود (۵). در کتاب تعرضات جنسی در نظام کیفری ایران و انگلستان تعرضات جنسی این‌گونه تعریف شده است: «هر فعلی که نسبت به دیگری واقع شود، با این شرط که اولاً دارای ماهیت جنسی باشد؛ ثانیاً برخلاف میل و رضایت مجنی‌علیه ارتکاب یابد و یا این‌که مجنی‌علیه اهلیت اظهار و اعلام رضایت را نداشته باشد» (۶).

مبانی نظری؛ تعرض جنسی و انواع آن

تعرض جنسی طیف وسیعی از رفتارها را شامل می‌شود، اما در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آن را به سه قسم تعرض فیزیکی، کلامی و غیر کلامی تقسیم و تشریح نمود.

۱- تعرض فیزیکی

این نوع شامل لمس اعضای بدن، سد کردن راه شخص و ممانعت از عبور وی و برخورد جنسی به زور و نظایر آن می‌شود که تجاوز به عنف نیز نامیده می‌شود و دارای مصادیق متعددی از جمله زنا به عنف و لواط به عنف و مالش‌گری جنسی است.

۱-۱- **زنا به عنف:** زنا به عنف یکی از مصادیق آشکار تعرض جنسی به لحاظ فیزیکی محسوب می‌شود که در اغلب

نظام‌های حقوقی با کیفرهایی خاص مواجه شده است. غالب فقها زنا به عنف را این‌گونه تعریف کرده‌اند: زنی به عمل زنا راضی نباشد و مرد با زور و ارباب و تهدید و اکراه به او تجاوز کند (۷). یکی از تفاوت‌های اساسی زنا به عنف با زنا در مختاربودن است، لذا اکثر فقها با این قید این دو زنا را از یکدیگر متمایز می‌نمایند. در شرایع الاسلام، محقق حلی بر این تعریف چندین اشکال وارد کرده است که یک مورد آن مربوط به این می‌شود که این تعریف هم شامل مختار و هم شامل مکره است، ولی در حق مکره زنا گفته نمی‌شود، لذا باید مکره را از این تعریف خارج کنیم، مگر این‌که بگوییم که مکره نیز با همان قید (زنی که بر او حرام است) از این تعریف خارج می‌شود (زیرا عمل مزبور برای مکره حرام نیست) (۸).

۲-۱- **لواط به عنف:** لواط به عنف در واقع آمیزش جنسی مرد با مرد است که هم شامل عمل جنسی‌ای می‌شود که به دخول ختم می‌شود و هم این‌که از طریق مالش‌گری جنسی صورت گیرد. برای عمل لواط مجازات حد در نظر گرفته شده، به طوری که با انجام عمل دخول، حتی حکم آن از زنا نیز سنگین‌تر است. این عمل قبیح جنسی دارای آثار نامطلوبی است که مهم‌ترین آن، نابودی نسل بشر و جلوگیری از تکثیر نسل است. با این حال، در برخی منابع فقهی برای کسانی که به طور اجباری به این عمل تن داده‌اند، مجازاتی در نظر گرفته نشده است (۹).

۳-۱- **مالش‌گری جنسی:** مالش‌گری جنسی از دیدگاه اسلام، یک عمل منافی عفت تلقی شده و ارتکاب آن حرام است، زیرا از یک طرف، نوعی تجاوز به عرض و ناموس دیگران بوده و از طرف دیگر، یک شیوه خودارضایی است. روایات متعددی از ائمه معصوم (ع) وجود دارد که بر اساس آن‌ها هرگونه رابطه جسمی بین زن و مرد نامحرم اعم از این‌که با رضایت باشد یا بدون آن، منع شده و مورد تقبیح قرار گرفته است که به یک مورد از آن‌ها اشاره می‌شود: امام صادق (ع) فرمودند: «زنا به عنف، تماس با بدن نامحرم است و فرقی نمی‌کند که آلت تناسلی وارد شود یا نه» (۱۰). باید توجه داشت بر اساس اخلاق اسلامی مردان نیز باید نسبت به زنان و نوامیس دیگران شرم و حیا پیشه کنند، چه این‌که در غیر این

شده است. قرآن کریم در آیه اول از سوره همزه «عیب‌گویان هرزه‌زبان» و در آیه ۱۴۷ از سوره نساء پدیده «بدزبانی» را مذمت فرموده است. به هر تقدیر، صرف استفاده از الفاظ رکبیک و زشت، مذموم بوده و قطعاً حرام است. روایات متعددی وجود دارند که بر اساس آن‌ها، بدزبانی و هرزه‌گویی به شدت نهی و ممنوع شده‌اند.

۳- تعرض غیر کلامی

تعرض غیر کلامی نیز گونه دیگری از تعرض جنسی است که شامل مواردی چون مزاحمت‌های خیابانی، چشم‌چرانی، چشمک‌زدن، فرستادن نامه، یادداشت و پیام الکترونیکی یا تصاویر جنسی و تعقیب فرد در اماکن خلوت، می‌شود. چشم‌چرانی یکی از گونه‌های شاخص تعرض غیر کلامی است که در آیات و روایات مورد نهی و نکوهش قرار گرفته است. تعرض از طریق نگاه آلوده و شهوت‌انگیز به زن و دختر نامحرم، از جمله جرائمی است که همیشه همراه با سوءنیت و قصد مجرمانه می‌باشد و در این مسأله رضایت و عدم رضایت شخص مقابل تأثیری ندارد و در هر حال گناه و معصیت و در شرایطی جرم تلقی می‌شود.

تجزیه و تحلیل؛ ابعاد اخلاقی در کنترل تعرض جنسی

تعرض جنسی دارای آثار و تبعات سوء متعددی در حیطه رفتارهای فردی و اجتماعی است و به همین دلیل، کنترل مصادیق آن می‌تواند آثار مثبتی در ساحت اخلاقی در پی داشته باشد.

۱- ترویج حجاب و برقراری اخلاق جنسی

یکی از اهداف اساسی اخلاق جنسی در آموزه‌های اسلامی، رعایت مسائل فردی و عمومی از جمله نحوه پوشش افراد از جمله زنان در جامعه است، زیرا با کنارگرفتن پوشش سالم از سوی آنان، زمینه‌ها برای فساد خانواده به عنوان مهم‌ترین رکن جامعه اسلامی فراهم می‌شود. یکی از مسائل مهم در این زمینه، بررسی آثار و تبعات پوشش نامناسب در میان افراد جامعه و نقش آن در سست‌شدن بنیان خانواده است که با غفلت از شیوه‌های کنترل تعرض جنسی حاصل می‌شود، زیرا عدم قیود شرعی و قانونی در این زمینه، چیزی جز بنیان‌فکنی

صورت، دچار مکافات عمل یا اثر وضعی گناه خود خواهند شد، چنانکه امام صادق (ع) فرمودند: «کسانی که به پشت (دبر) زنان نظر می‌افکنند، هیچ ایمن نباشید از این که افراد دیگر به پشت زنان ایشان نظر افکنند» (۱۱). دفع متجاوز در متون دینی تا آنجا اهمیت یافته که «شهید اول» معتقد است: «اگر مردی کسی را بیابد که با همسرش بازی و ملامعه می‌کند، بی‌آنکه با او جماع کند، می‌تواند آن فرد را دفع کند و اگر این کار موجب مرگ متجاوز شود، خونش هدر خواهد بود» (۱۱).

۲- تعرض کلامی

تعرض جنسی کلامی شایع‌ترین انواع تعرض بوده و طیف گسترده‌ای از رفتارها شامل انواع متلک پرانی‌ها، به کارگیری الفاظ رکبیک، پیشنهادات جنسی، اظهار نظر در مورد ظاهر و پوشش فرد، شوخی‌های جنسی یا بیان طنزهای جنسی را شامل می‌شود.

۱-۲- دیگرآزاری: در متون فقهی بحث مستقلی در مورد دیگر آزاری از این حیث وجود ندارد. آنچه که از نظر فقه اسلام مسلم می‌باشد، این است که مردم آزاری به هر شکل ممکن و چه به صورت روانی و چه جسمی، حرام بوده و یک ردیلت اخلاقی بزرگ محسوب می‌گردد تا جایی که یکی از خصایص سه‌گانه زن‌آزاده‌ها در کنار میل به زنا و بغض اهل بیت، تمایل این افراد به مردم‌آزاری دانسته شده است. اعمال سادیک‌های سمبولیک ممکن است به صورت توهین (اعم از لفظی، کتبی، اشاره‌ای و عملی)، افترا یا حتی قذف نمود یابد. این اعمال از نظر شرعی حرام بوده و مستوجب کیفر می‌باشند. همچنین هرگونه سخن و دشنامی که مسلمان آبرومند را بیازارد، موجب تعزیر دانسته شده است (۱۲).

۲-۲- هرزه‌درایی: «هرزه‌درایی» عبارت است از تمایل داشتن به ادای کلمات زشت و وقیح به منظور ارضای جنسی. به عبارت دیگر ارضای جنسی از راه ادای کلمات زشت و کنایات جنسی نوعی تعرض جنسی است که هرزه‌گویی نامیده می‌شود. مبتلایان به هرزه‌درایی غالباً مرتکب گناهانی می‌شوند که از دیدگاه فقهی در زمره قذف، توهین و افترا (تهمت) قرار دارند (۱۱). همچنین ناسزاگویی به دیگران از لحاظ اخلاقی مذموم بوده و در کلام خداوند و آموزش‌های مذهبی تقبیح

نهاد خانواده در پی نخواهد داشت. بر همین مبنا است که برخی، کارکردهای حجاب و پوشش اسلامی را کارکرد پیشگیرانه وضعی برای حمایت از زن در مقابل بزه‌دیدگی دانسته‌اند (۱۳). به همین دلیل، جلوگیری از ترویج رفتارهای ناسالم و شکسته‌شدن عفت عمومی، از جمله در حوزه زنان، می‌تواند آثار مهمی و قابل توجهی داشته باشد. بهترین شیوه برای ترویج اخلاق، احترام به جایگاه حقیقی زن در جامعه، پوشش متناسب با شخصیت و کرامت آنان و مصون ماندن زنان از نگاه نامحرم است که به نوبه خود یکی از اسباب ترویج اخلاق و جلوگیری از هرج و مرج و نابسامانی اجتماعی است.

در راستای همین مباحث است که امر و نهی در زمینه مسائل جنسی گامی برای اخلاقی‌کردن جامعه محسوب می‌شود، زیرا به تعبیر شهید مرتضی مطهری: «همچنانکه از مقررات و اخلاق محدودکننده در روابط اجتماعی و امور اقتصادی و از عفت و تقوای سیاسی و اجتماعی گریزی نیست، از مقررات و اخلاق محدودکننده جنسی و از عفت و تقوای جنسی نیز گریزی نمی‌باشد» (۳). بنابراین رعایت احکام شرعی در این زمینه، مروج اخلاق در میان جامعه است تا از این طریق هم شیوه‌های بازدارنده به نحو مؤثری عمل نمایند و هم این‌که تمایلات جنسی آدمی در راستای مطلوبی به کار گرفته شوند. در نهایت این‌که اصل اساسی در اخلاق اسلامی و اخلاق جنسی اسلامی برقراری نوعی «دموکراسی در اخلاق» است. بنابراین در این مسأله نیز مانند سیاست باید اصول آزادی و دموکراسی حکمفرما باشد، یعنی انسان باید با غرایز و تمایلات خود مانند یک حکومت عادل و دموکرات با توده مردم، رفتار کند (۳).

باید دانست که در آیات و روایات خطوط قرمزی دیده می‌شوند که عبور از آنان به معنی عبور از مرزهای اخلاقی و تهدید بنیان خانواده و حتی ایمان فرد است. بنابراین علاوه بر مجازات اخروی، می‌بایست مشمول حدود در این دنیا نیز بشوند، چنانکه در این زمینه از امام صادق (ع) در مورد این سخن خدا که: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً» (۱۴)، پرسیده شد و حضرت فرمود: اینان زنان و مردانی بودند که به زناکار مشهور بودند و این حکم در مورد مردم این زمان هم

جاری است. بنابراین اگر کسی مشهور به زناست و حد بر او جاری شده شایسته نیست کسی با او ازدواج کند، مگر این‌که توبه کند» (۱۵).

۲- کنترل تعرض جنسی و بهبود اخلاق معاشرت

اثر اخلاقی دیگری که برای کنترل تعرض جنسی می‌توان متصور بود، مصونیت فردی و اجتماعی و برچیده‌شدن بساط شیوه‌های معاشرت ناسالم در جامعه است، به طوری که می‌توان با بهبود شیوه‌های کنترل تعرض جنسی و عمل بر مبنای آموزه‌های دینی در این زمینه، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را دفع نمود. بر این اساس، حب نسل و بقای آن از غرایض طبیعی و مورد توجه پروردگار می‌باشد. تمام غرایز جنسی که خداوند در نهاد بشر و سایر موجودات خلقت گذاشته‌اند، تنها به خاطر بقای نسل است، زیرا خداوند ما را برای بقا آفریده نه برای فنا. همچنین پس از خلقت از انسان می‌خواهد که ازدواج کند تا هم از راه حلال ارضا شود و هم باعث تکثیر نسل بشر گردد. اگر نسل آدمی از راه مشروع و طبق قوانین الهی به وجود آید، آن نسل به سمت بقا و کامیابی قدم برخواهد داشت، ولی اگر نسلی از راه نامشروع و خلاف قوانین الهی به وجود آید، روبه زوال و تباهی پیش خواهد رفت (۱۶).

مصادیق معاشرت سالم و عاری از تعرض و تزاخم، متعدد است، چه این‌که از نظر قرآن کریم و روایات، سخن گفتن زنان و معاشرت سالم آنان با سایر افراد جامعه هم شیوه‌ای برای جلوگیری از شکل‌گیری تعرض جنسی است و هم این‌که نتایج اخلاقی مؤثری به بار می‌آورد که مهم‌ترین آن، دوری‌گزینی افراد متعرض از آنان است. در همین راستا، قرآن کریم، زنان پیامبر (ص) و به پیروی از آن‌ها سایر زنان جامعه اسلامی را نصیحت می‌کند که در سخن گفتن با مردان بیگانه متین و سنگین باشند و صدایشان را نرم و لطیف ننمایند، چون میان مردان، کسانی وجود دارند که دل بیماری داشته و هرگونه اخلاق زنانه در آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد. به فرموده قرآن کریم: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»؛ مردان کلامتان را نرم و نازک بیان نکنید تا بیمار دلان در شما طمع نورزند و به صورت شایسته و برازنده سخن بگویند» (۱۴).

در همین راستا، اصلی که در آیات و روایات به آن تأکید شده است، «عفت» مؤمن است که مانعی برای رفتارهای ناسالم جنسی در میان جامعه باشد، چه این که بر اساس آموزه‌های دینی، هرگز قابل قبول نیست کسی در مسائل جنسی یا در دزدی و خیانت و اختلاس مال و برداشتن کلاه مردم هیچ‌گونه بندوباری نداشته باشد و متصف به صفت عفت باشد (۱۷).

مهم‌ترین آثار اخلاقی کنترل نگاه از سوی مردان و زنان در جامعه این است که جلوی شکستن قُبَح روابط جنسی آزاد را می‌گیرد و محدودیت‌هایی را از همان ابتدا ایجاد می‌کند. در همین زمینه از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده است که می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ فَضُولَ النَّظَرِ فَإِنَّهُ يَبْذِرُ الْهَوَى وَ يُولِدُ الْغَفْلَةَ؛ از نگاه اضافی بپرهیزید، زیرا بذر هوا و هوس را در دل می‌کارد و موجب غفلت می‌گردد» (۱۸). امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «غَضُّ الطَّرْفِ عَنْ مُحَارِمِ اللَّهِ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ؛ بهترین عبادت، چشم‌پوشی از محرمات است» (۱۰). مسأله کنترل نگاه به قدری مهم است که حتی پوشش زنان نیز به مثابه آغازی برای شکستن حرمت‌ها و از بین رفتن اخلاق فردی و اجتماعی تلقی می‌شود. هنگامی که پوشش مناسبی از سوی افراد جامعه از جمله زنان صورت نگیرد، کنترل نگاه مردان نیز دشوار می‌شود. بنابراین کنترل نگاه در جامعه امری همه‌جانبه و فراگیر است که باعث جلوگیری از تحریکات جنسی و بازشدن مسیر ابتذال می‌شود.

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «النَّظَرُ بَعْدَ النَّظَرَةِ تَرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فَتْنَةً؛ نگاه پیاپی شهوت را در قلب می‌کارد و همین برای در فتنه افتادن بیننده کافی است» (۱۰). بنابراین یکی از راه‌های اخلاقی کردن جامعه، پیشگیری از روش‌های ناسالمی است که در نهایت می‌تواند موجبات تعرض جنسی را فراهم آورد. تعرض جنسی از این منظر، تنها در اعمال جسمی خلاصه نمی‌شود، بلکه می‌تواند در قالب رفتارهای کلامی و دیگر رفتارهای افراد جامعه مصداق پیدا کند.

علاوه بر این، در احادیث و روایات، شیوه‌های دیگری برای مقابله با تعرض جنسی و جلوگیری از وقوع آن ذکر شده است که پرهیز از خلوت کردن با نامحرم یکی از توصیه‌های مهم در

در راستای بهبود اخلاق معاشرت، از مهم‌ترین راهکارهایی که در آیات و روایات دیده می‌شود، داشتن پوشش مناسب است که علاوه بر حفظ ظواهر فردی، مصونیت اخلاقی را به سایر بخش‌های جامعه نیز منتقل می‌سازد. پوشش مناسب به مثابه نگهبان زنان در جامعه محسوب می‌شود و نقشی مؤثر در اخلاقی کردن جامعه ایفا می‌نماید. بدین ترتیب حجاب و پوشش مناسب، زنان را در برابر مردان هرزه و بیمار دل محافظت می‌کند، کرامت زنان را پاس می‌دارد و زمینه‌ساز گسترش اخلاق در نهاد مقدس خانواده و سپس انتقال آن به جامعه می‌شود. به فرموده قرآن کریم که نبی گرامی اسلام را چنین خطاب قرار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلْزَوَاجِ كَمَا وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ...»؛ ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مؤمن بگو، حجاب‌ها، روسری یا مقنعه بزرگ خود را تا روی سینه پایین بیاورند برای این که نشانه مشخص باشد و شناخته شوند و در زمره زنانی که رعایت حجاب را نمی‌کنند، مورد اذیت و آزار مردان هرزه و ولگرد قرار نگیرند و خداوند آن عفوکننده رحمت‌گستر است (۱۴).

۳- کنترل نگاه و بهبود رفتار و سلوک اجتماعی

با توجه به این که تعرض جنسی در فقه و آموزه‌های دینی شامل نگاه به نامحرم نیز می‌شود، کنترل تحریکات جنسی به عنوان یک عامل بازدارنده و اخلاقی معرفی می‌شود که می‌تواند ضامن حفظ ایمان فرد نیز تلقی شود. بدین معنا که نگاه به نامحرم، تهدیدی برای ایمان افراد جامعه و آغازی برای گسترش انحرافات جنسی دیگر است. قرآن کریم در این رابطه چنین توصیه می‌کند: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ ابْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكُمْ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ ابْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ ای پیامبر! به مردان مؤمن بگو: چشم‌های خود را از نگاه به نامحرم، فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است، زیرا خداوند به آنچه می‌کنند، آگاه است و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را فرو گیرند و دامن خویش را حفظ کنند» (۱۴). بنابراین از منظر آیات و روایات، اخلاق هنگامی در جامعه جاری می‌شود که زمینه‌های بی‌عفتی و چشم‌چرانی در جامعه نیز از بین برود و فضای اخلاقی بر جامعه حاکم شود.

این زمینه است. مصادیق مهمی که می‌توان برای این موضوع بیان کرد خلوت کردن نوجوانان با یکدیگر، اختلاط جنسی آنان در محیط‌های ناسالم، رواج مهمانی‌هایی که در آن دختران و پسران با سوءاستفاده از برخی مراسمات، جشن‌ها و اعیاد، آزادانه با هم روابط ناسالم برقرار می‌کنند و مواردی از این قبیل است. در همین زمینه، حدیثی از رسول اکرم (ص) نقل شده است که می‌فرماید: «لا تدخلوا علی المغیبات فانّ الشیطان یجرى من احدکم مجرى الدم؛ بر زن‌هایی که شوهران آن‌ها نیستند وارد نشوید، چراکه شیطان در چنین شرایطی، همانند خون در بدن انسان جریان دارد و اثر می‌گذارد» (۱۰).

۴- دوری از انحراف جنسی و رفتارهای اغواگرانه

رفتارهای اغواگرانه و انحراف جنسی از جمله مصادیق دیگری است که عدم جلوگیری از آن می‌تواند باعث رواج تعرض جنسی در میان افراد شود. رفتارهای اغواگرانه همانند بلندخندیدن زنان، صحبت‌های مکرر و غیر ضروری آنان با جنس مخالف در اجتماع، اختلاط کلامی و غیر کلامی با مردان و همچنین رعایت نکردن حدود کلامی و رفتاری با جنس مخالف است. به نظر می‌رسد که پیشگیری از چنین مواردی، علاوه بر جلوگیری از رواج تعرض جنسی، اثر اخلاقی مطلوبی نیز به دنبال دارد که از نشانه‌های آن، رعایت حدود مردان و زنان و انسداد وسوسه‌های شیطانی در میان افراد جامعه است. در همین راستا توصیه می‌شود که زنان از رفتارهای جذاب از جمله نازک کردن صدا پرهیز نمایند. به این دلیل که باعث رفتارهای اغواگرانه و زمینه‌ساز تهدید اخلاق عمومی می‌شود. پس بایسته دانسته شده است که هر زنی در صحبت کردن با مردان مراقب طرز صحبت کردن خود باشد و از صحبت‌های اغواگرانه بپرهیزد. آیات و روایات در راستای بهبود وضعیت اخلاقی جامعه و اصلاح روابط میان افراد، به جای رفتارهای اغواگرانه و خارج از شرع اسلام، «معاشرت به معروف» را در دستور کار قرار می‌دهند. از این منظر، معاشرت به معروف را در عدم سوءاستفاده، عدم اضرار به طرف مقابل و به کارگیری حق در جهتی که حق برای آن وضع شده، دانسته‌اند (۱۹). همچنین برخی نیز برآنند که معاشرت به معروف، مختص و محدود به حوزه خانواده نبوده و شؤون

اجتماعی را نیز شامل می‌شود (۲۰). بنابراین گسترش معاشرت به معروف و دوری از رفتارهای اغواگرانه می‌تواند موجب اخلاق اجتماعی و ممانعت از تعرض و انحراف جنسی در چارچوب خانواده‌ها و جامعه باشد.

کنترل انحرافات جنسی یکی دیگر از آثار اخلاقی دوری گزینی از رفتارهای اغواگرانه و معاشرت به معروف است. به عبارتی دیگر، هنگامی که رفتارهای اغواگرانه و وسوسه‌انگیز در جامعه به حداقل برسد، زمینه‌ها برای کنترل انحرافات جنسی فراهم می‌شود که در نهایت باعث حفظ اخلاق و عفت عمومی مردان و زنان و گسترش آن در بین سایر اقشار جامعه می‌شود. علاوه بر این در حوزه رفتارهای فردی نیز رفتارهای ناسالم جنسی منع شده است، چنانکه آموزه‌های فقهی با توجه به آیات و روایات، راه‌های نامشروع جنسی از جمله استمناء را منع و لعن می‌کنند. به طور مثال، درباره عمل مذکور، از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده که می‌فرماید: «ناکح الکفّ ملعون؛ کسی که با دست خویش به لذت جنسی می‌رسد، مورد لعنت خداوند قرار می‌گیرد» (۱۰).

آموزه‌های دین اسلام اعم از آیات و روایات، مقوله اخلاق را از همان سنین کودکی و نوجوانی مورد توجه قرار می‌دهند و درصدد هستند زمینه‌های انحراف جنسی را از بین ببرند و یا این‌که آن را در مسیر مطلوبی هدایت نمایند. این موضوع به طور مشخص به کنترل و هدایت مناسب رفتارهای کودکان نیز تسری پیدا کرده است. در همین زمینه فقها بر این عقیده هستند که برخی مصادیق محبت کردن نسبت به کودکان از جمله دختران نمی‌تواند دختران شش ساله و شش سال به بالا را شامل شود. بنابراین بوسه کردن دختر شش ساله با هر قصد و نیتی از جمله محبت کردن، ممنوع است (۱۸). بنابراین پرهیز کردن از چنین رفتارهایی، علاوه بر ترویج آموزش صحیح معاشرت، حاوی پندهای اخلاقی است که می‌تواند نحوه تعامل، حدود معاشرت در سنین مختلف و جلوگیری از قبح‌زدایی از تعرض جنسی را فراهم سازد.

۵- میانه‌روی در جامعه و رفتارهای فردی

آموزه‌های اسلامی در زمینه کنترل رفتارهای جنسی افراد، از افراط و تفریط گریزان هستند. به همین دلیل کسانی که با

غوطه‌ور شدن در لذایذ دنیوی و یا رها کردن ازدواج و هر گونه ارتباط با دیگران را سرلوحه اعمال خویش قرار می‌دهند، نکوهش می‌شوند. بنابراین از منظر اخلاق‌گرایی معتدل اسلامی، نه دوری‌گزینی از نیازهای فطری و اجتماعی افراد و نه غوطه‌ور شدن در افکار و اعمال جنسی، قابل پذیرش نیست. در همین زمینه از امام صادق (ع) نقل شده است که: «عثمان بن مظعون تارک دنیا شد و روزها روزه می‌گرفت و شب‌ها را به عبادت می‌گذراند. همسر او نزد پیامبر اکرم (ص) شرفیاب شد و ایشان را از روش عثمان آگاه کرد. حضرت غضبناک شد و حرکت کرد، به گونه‌ای که کفش‌های خود را نپوشید و آن‌ها را در دست گرفت و به سراغ عثمان بن مظعون آمد. عثمان در حال نماز بود و با مشاهده پیامبر اکرم (ص) دست از نماز کشید. حضرت به او فرمود: ای عثمان! خدا مرا به رهبانیت و ترک دنیا مبعوث نکرده است، من را به دینی حق، مستقیم و آسان مبعوث کرد که سختگیری نمی‌کند. من نیز نماز می‌خوانم و روزه می‌گیرم و با همسرانم معاشرت دارم. پس، آنان که فطرت و روش مرا می‌پسندند، باید به سنت من عمل کنند و ازدواج و معاشرت با همسر از جمله سنت من است» (۱۵). بر این اساس، هرچند غوطه‌وری در زندگی دنیا و دلبستگی به آن مذموم است و انسان را از هدف آفرینش، یعنی لقای حق بازمی‌دارد، ولی ترک افراطی دنیا نیز مطلوب نیست و مانع رشد و تکامل انسان است. بنابراین تحریم ازدواج برای مردان و زنان تارک دنیا و نیز توصیه به انزوای اجتماعی و پشت‌پازدن به وظایف انسان در جامعه و نیز انتخاب صومعه‌ها و دیرهای دورافتاده، برای عبادت و زندگی در محیطی دور از اجتماع، امر پسندیده نیست؛ چه آنکه انسان، موجودی اجتماعی است و تکامل معنوی و مادی او نیز در زندگی جمعی به دست می‌آید.

با توجه به رویکرد اعتدالی دین اسلام، از نتایج و آثار اخلاقی جلوگیری از تعرض جنسی براساس آیات و روایات اسلامی این است که شرط تحقق جامعه مطلوب، محدود کردن و جلوگیری از غرایز جنسی انسان‌ها نیست، بلکه هدف اساسی برقراری رویکرد میانه‌روی در شرع و احکام و در نهایت بسط اخلاق در جامعه است. به تعبیر شهید مطهری: «مقصود دین

بستن سرچشمه‌های محسوس مادی نیست؛ مقصود، بازکردن و کوشش برای ساختن چشمه‌های دیگر است و آن چشمه معنویات است، یعنی انسان ظرفیت دیگری دارد ماورای این میل‌ها و عواطف و پیامبران نیامده‌اند، آن‌ها را از بین ببرند و سرچشمه آن‌ها را بخشکانند، بلکه آن‌ها آمده‌اند دنیا و مادیات را از صورت کمال مطلوب خارج نمایند و خدا و آخرت را به عنوان کمال مطلوب عرضه نمایند» (۲۱). بنابراین اثر اخلاقی دیگری که در زمینه جلوگیری از تعرض جنسی دیده می‌شود، ایجاد روحیه اعتدال و میانه‌روی در مسائل جنسی است. این موضوع در آیات و روایات متعددی مشهود است، زیرا از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است که می‌فرماید: «یکی از اسباب طول عمر کم کردن رابطه جنسی با زنان است» (۲۲). بنابراین رعایت حد اعتدال در مسائل جنسی حتی زمانی که فرد ازدواج می‌کند، بسیار مهم است، زیرا اصل بر میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط است. به نظر می‌رسد آنچه می‌تواند به عنوان اخلاق مورد توجه قرار گیرد، همین رویکرد اعتدالی و دوری از افراط و تفریط است. همچنین در همین راستا، از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده است که می‌فرماید: «اصرار زیاد بر رابطه جنسی از عوامل پیری زودرس است» (۲۳).

خداوند غریزه جنسی را برای حفظ نسل آفریده است و هر چیزی که به طور مطلق آن را نفی کند، باطل است. از این منظر، زهد اسلامی که به معنای بی‌رغبتی نسبت به دنیا و حذف تجملات و عدم اسارت در چنگال مال و مقام است، هیچ ارتباطی به رهبانیت ندارد. قرآن کریم درباره برخی از مردم می‌فرماید: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا / الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يَحْسِبُونَ ضُنْعًا؛ بگو: آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟ آن‌ها که تلاش‌هایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده با این حال، می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند!» (۱۴). حضرت علی (ع) در ذیل آیه یادشده می‌فرماید: «هم الرهبان الذين حبسوا أنفسهم في السواري» (۲۴). مصداق بارز آن رهبان‌ها، تارکان دنیایند که خود را در ارتفاعات کوه‌ها و در بیابان‌ها محبوس کردند و گمان دارند که کار خوبی انجام می‌دهند.

۶- دوری از افکار انحرافی و گرایش به ازدواج

از خصوصیات مهم دین اسلام متکی‌بودن احکام آن بر اساس فطرت و نیازهای فیزیولوژی انسان می‌باشد. به عنوان مثال غریزه جنسی یکی از حوایج طبیعی و فیزیولوژی انسان بوده که ارضای آن در چارچوب قوانین ازدواج مورد توجه قرار گرفته و نیز ضمانت‌هایی بهداشتی و اقتصادی و روانی در این رابطه، مقرر شده چه این‌که فقدان این ضمانت‌ها از ارضای نیازهای جسمانی در خانواده جلوگیری خواهد کرد. پس بیماری‌ها و ناتوانی‌های جسمانی و سایر نارسایی‌ها هر کدام مانعی در راه تحقق این امر هستند. با وجود این‌که دین مقدس اسلام ازدواج را امری پسندیده شمرده، ولی بی‌چون و چرا بر افراد تحمیل نکرده است، مجرد را در هر شرایطی گناه ندانسته و مجازاتی هم برای آن تعیین نکرده است. بر اساس این طرز فکر، زناشویی و رابطه جنسی یک جریان طبیعی است که به طور معمول منجر به تولید نسل می‌شود. از این جهت ما به عنوان بندگان، حق نداریم و یا نمی‌توانیم در این جریان خللی وارد سازیم. به این دلیل که این جریان از اراده و خواست خداوند ناشی می‌شود، لذا دخالت در آن، دخالت در کار خداوند و گناه محسوب می‌شود. بر این اساس، بر طبق منطق قرآن درست است که همه جریانات طبیعی از اراده خداوند ناشی می‌شود، لیکن بر اثر قدرتی که خداوند به انسان داده است، تا حدود زیادی توانایی شناخت و دخالت در جریانات محیط خود را داراست (۲۵).

با این توضیح، سلامت اخلاقی جامعه از منظر آموزه‌های دین اسلام، از دو منظر سلبی و ایجابی قابل بررسی است. در بُعد سلبی، پرهیز از روابط غیر اخلاقی در جامعه و در بُعد ایجابی، تشویق آنان به ازدواج است. بدین‌ترتیب از دیگر آثار اخلاقی ناشی از کنترل تعرض جنسی، جلوگیری از انحراف جنسی، تشویق جامعه به ازدواج و برقراری رابطه مودت و دوستی در میان خانواده‌ها است، چنانکه امام محمد باقر(ع) از پیامبر (ص) نقل می‌نماید که فرمودند: «در اسلام بنایی محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند عز و جل برپا نشده است» (۲۶). علاوه بر این، چنین رویکردی به انسان هشدار می‌دهد که اسیر مواهب نباشد، بلکه امیر بر آن‌ها باشد و هرگز

ارزش‌های اصیل خود را با آن‌ها معاوضه نکند (۲۷). بدین‌ترتیب در صورت جلوگیری از تعرض جنسی، امنیت و سلامت اخلاقی جامعه در مسیر مطلوب‌تری قرار می‌گیرد، به طوری که در انسان مصونیت درونی برای رعایت ارزش‌های اخلاقی پدیدار می‌شود و انسان برای برآوردن خواسته‌های هر شأن وجودی از جمله شأن جنسی، از هر راهی اقدام نمی‌کند. همچنین آزادی‌های وی در چارچوب شرع قرار می‌گیرد و بدین‌ترتیب امنیت و سلامت اخلاق جنسی جامعه حفظ خواهد شد (۲۸). بنابراین امنیت و سلامت اخلاقی جامعه به عنوان مسأله‌ای بنیادین در نظر گرفته می‌شود که از سطوح پایین جامعه شروع می‌شود و به سطوح بالای جامعه از جمله حیطه‌های آموزش و جامعه‌پذیری نیز سرایت می‌کند.

مطابق آنچه آیات و روایات بیان می‌دارند در صورتی که تعرضات جنسی و شیوه‌های کنترل آنان مورد توجه قرار گیرد، گرایش به ازدواج در میان افراد جامعه تقویت خواهد شد و فکر و خیال افراد در راستای شکوفایی استعدادهای حقیقی آنان به کار گرفته می‌شود. این موضوع مخصوصاً در حیطه رفتارهای فردی از جمله پرهیز از افکار جنسی ناسالم مورد توجه است. غوطه‌ور شدن در افکار جنسی نوعی بیماری است که زمینه‌ساز نفوذ مضاعف شیطان در افکار فرد به شمار می‌رود. در همین زمینه، امام علی (ع) می‌فرماید: «هر کس زیاد فکرش در گناه رود، او را به معاصی می‌کشاند» (۲۹). این سخن امام برگرفته از آیه «ولاتقربوا الزنا» می‌باشد که منظور همان فکرنکردن به زنا است نه این‌که خود زناکردن. بنابراین در آموزه‌های دینی، نیندیشیدن و متمرکزنشدن به مسائل جنسی نوعی دوری‌گزینی از انحراف جنسی است که خود باعث بهبود اخلاق جنسی میان افراد می‌شود.

۷- بیداری وجدان و جامعه‌پذیری جنسیتی

یکی از آثار اخلاق جنسی در اسلام که می‌تواند تبعات مطلوب دیگری نیز در پی داشته باشد، گسترش فرهنگ حمایت از خانواده و مخصوصاً حفظ جایگاه زن در خانواده است که به نوبه خود نشانگر حمایت از اصول اخلاقی فردی و اجتماعی است. بنابراین هوشیاری در برابر تعرض جنسی بر علیه زن و کانون خانواده، به نوبه خود پشتوانه‌ای برای امنیت

اخلاقی در خانواده و جامعه است و به مثابه یک محافظ قوی در برابر تعرضات جنسی عمل می‌نماید. لذا اصل غیرت‌ورزی از نظر فقها، اصلی اخلاقی برای مردان است (۳۰).

همچنین جامعه‌پذیری جنسیتی از دیگر ثمرات اخلاقی جلوگیری از تعرض جنسی در نزد آموزه‌های دین اسلام است. از این منظر، جامعه‌پذیری جنسیتی به معنای آموختن و درونی‌کردن رفتارهایی است که جامعه بر اساس جنسیت فرد (اعم از زن و مرد) از او انتظار داشته و برای وی مناسب می‌داند. فضای فرهنگی حاکم بر بسیاری از جوامع متمایل به یادگیری و نهادینه‌شدن تعرض جنسی است و در واقع ارتکاب این رفتار و پذیرش آن به عنوان قسمتی از نقش‌های جنسیتی مرد و زن تعریف می‌شود. پسرها از دوران نوجوانی می‌بینند مردان می‌توانند به راحتی و بدون هیچ دردسری در اماکن عمومی برای زنان ایجاد مزاحمت کنند و هنگامی که در گروه همسالان هستند، این رفتار به عنوان نشانه بزرگی و مردانگی تلقی می‌شود. از سوی دیگر تجارب متعدد زنان در این زمینه باعث می‌شود که آن را امری طبیعی تلقی کرده و در برابر آن بیشتر سکوت کنند تا این‌که با اعتراض واکنش خود را نشان دهند، در نتیجه رفتارهای مزاحمت‌آمیز توسط مردان شایع شده و طی فرایند جامعه‌پذیری نسل به نسل ادامه می‌یابد (۳۱). بنابراین یکی از آثار شیوه‌های کنترل تعرض جنسی این است که جامعه‌پذیری جنسیتی را در مسیری مثبت هدایت می‌کند و باعث گسترش امنیت اخلاقی در جامعه می‌شود.

نتیجه‌گیری

تعرض جنسی در آموزه‌های فقه اسلامی شامل موارد متعددی است و به دلیل اهمیت اخلاق فردی و عمومی و جلوگیری از ابتذال و تعرض، ابعاد مختلفی از جمله تعرض کلامی، جسمی و فیزیکی را دربر می‌گیرد. گونه‌های مختلف تعرض جنسی که در آموزه‌های اسلامی شامل آیات و روایات، مورد نکوهش قرار گرفته‌اند، با هم در ارتباط هستند، به طوری که برای مثال می‌توان گفت گسترش تعرض کلامی، به عنوان مقدمه‌ای برای تعرض فیزیکی و ترویج انواع آن و در نهایت زمینه‌ای برای آسیب به اخلاق عمومی و فردی هستند. با این

حال، عمل بر مبنای دستورات دینی، از جمله جلوگیری از اختلاط جنسی غیر ضروری در محیط‌های خانوادگی، شغلی و اجتماعی، به کارگیری شیوه‌های فرهنگی برای جلوگیری از ابتذال و تعرض کلامی و غیر کلامی، معرفی انواع انحرافات جنسی، آگاهی نسبت به آثار فردی و اجتماعی بی‌بند و باری‌های جنسی از جمله روش‌هایی است که می‌تواند مانع گسترش تعرض جنسی و تحقق پیامدهای سوء آن گردد.

بر این اساس، آثار اخلاقی سیاست کنترل تعرض جنسی شامل این موارد است: دوری‌گزینی از انحرافات جنسی، جلوگیری از ترویج بی‌بند و باری اخلاقی، به حداقل‌رسیدن و یا به پایان رسیدن نوزادان رها شده و بی‌سرپرست در سطح جامعه، جامعه‌پذیری جنسیتی و دوری از افکار انحرافی، تشویق و تبلیغ ازدواج و جلوگیری از ترویج شیوه‌های ناسالم ازدواج از جمله ازدواج سفید، بیداری وجدان و تعصب نسبت به جایگاه زن و کرامت زن در خانواده و جامعه، میانه‌روی و دوری‌گزینی از رفتارهای انحرافی، ترویج پوشش مناسب برای افراد جامعه به ویژه زنان، دوری از اغواگری و محو اشکال مختلف تعرض کلامی و غیر کلامی.

با تمرکزکردن بر مسائل زمینه‌ای حساس، از جمله نحوه معاشرت زنان و مردان در محیط‌های مختلف می‌توان اخلاق فردی و عمومی را بهبود بخشید و از انحرافات جنسی جلوگیری نمود. مهم‌ترین راهکار همچنان می‌تواند تقویت نهاد خانواده، آموزش مسائل جنسی با رویکرد علمی و دینی و همچنین تشویق جوانان و نوجوان به ازدواج باشد. باید دانست از منظر رویکرد فقهی و حقوقی، تعرض جنسی تنها مشمول زنان و اطفال نمی‌شود، بلکه مردان نیز می‌توانند مورد تعرض جنسی قرار بگیرند. بنابراین ارائه آموزش‌های همگانی و ترویج شیوه‌های سالم آشنایی و معاشرت افراد با یکدیگر می‌تواند گامی برای بهبود اخلاق زیستی در جامعه تلقی شود. مقابله با شیوه‌های ناسالم روابط میان افراد جامعه و اتخاذ رویه‌های مستحکم قضایی در کنار رویکرد آموزشی و اقناعی می‌تواند آسیب‌های اخلاقی ناشی از این مسأله را به حداقل برساند.

References

1. Jafari Langeroodi MJ. Terminology of Law. Tehran: Publisher Ganj-e Danesh; 2011. [Persian]
2. Hosseini M, Yavari M. Ethical Challenges in Viral Marketing. *Ethics Research* 2014; 5(25): 23-44. [Persian]
3. Motahari M. Sexual Ethics in Islam and the Western World. Tehran: Publisher Sadra; 2011. [Persian]
4. Dehkhoda AA. Dehkhoda Dictionary. Tehran: Publisher University of Tehran; 2000. [Persian]
5. Ghofrani M, Shirazi J. The idioms of the day. Tehran: Publisher Amir Kabir; 2006. [Persian]
6. Nobahar Tehrani AR. Sexual assault in the penal System of Iran and England. Tehran: Publisher Majd; 2014. [Persian]
7. Mousavi Khomeini RA. Tahrir al-Vasileh. Qom: Publisher Dar al-Elm; 1990.
8. Helli NH. Sharaye al-Islam. Qom: Publisher Ismailian; 1989.
9. Najafi MH. Jawahir al-Kalam. Beirut: Publisher Dar al-Ehya al-Terath al-Arabia; 1993.
10. Hore Ameli MH. Vasaal al-Shieh. Qom: Publisher Aal al-Beyt (A); 1991.
11. Ameli MM. Al-Ghavaed and Favaed. Qom: Publisher Mofid; 1986.
12. Feiz A. Implementation in Public Penal Law. Tehran: Publisher Amir Kabir; 1988. [Persian]
13. Aghababaie H, Mousavi R. Preveting female victimization from the perspective of Islamic teachings and the Chllenges ahead. *Journal the Teachings of Criminal Law* 2011; 4(1): 35-54. [Persian]
14. The Holy Quran. Ahzab: 59; Ahzab: 32; Nour: 30-31; Nour: 3; Kahf: 103-104.
15. Koleini MY. Osool Kafi. Reaserched by Ghaffari AR. Tehran: Publisher Dar al-Ketab al-Islamieh; 2010.
16. Shobeiri Zanjani M. Marriage Book. Qom: Publisher Raypardaz; 1999.
17. Tabatabaie MH. Shieh in Islam. Corected by Khosroshahi H. Qom: Publisher Bostan Ketab; 2018.
18. Majlesi MB. Bahar al-Anvar. Tehran: Publisher al-Maktab al-Islamieh; 1900.
19. Ahmadieh M. Family; Pleasant; Equality. Strategic Studies of Women 2010; 3(6): 1-17. [Persian]
20. Javadi Amoli A. Woman in the mirror of God. Tehran: Publisher Rajaa Cultural; 1999.
21. Motahari M. Twenty-speech. Tehran: Publisher Sadra; 1991. [Persian]
22. Sadoogh MA. Al-Khessal. Qom: Publisher Jame Modaresin; 1997.
23. Tamimi Amedi AM. Ghorar al-Hekam wa Dorar al-Kalim. Qom: Publisher Dar al-Kotob al-Islameiy; 1989.
24. Hendi M. Kanz al-Ummal. Beirut: Publisher al-Resaleh; 1991.
25. Naderi FA. Population Control from the perspective of Islam. Qom: Publisher Boostan Ketab; 2016. [Persian]
26. Alhakim AM. al-Faghih. Tehran: Publisher Binam; 1996.
27. Tababtabaie MH. Al-Mizan. Qom: Publisher Jame Modarresin; 1997.
28. Taherpour M-SH, Sharafi MR. An Explanation of the Basics of Sexual Ethics from the Islamic Perspective. *Journal Islam and Educational Research* 2012; 3(1): 53-75. [Persian]
29. Mohammadi Reishahri M. Mizan al-Hekmah. Translated by Sheikhi MR. Qom: Publisher Dar al-Hadith; 1997.
30. Faghihi AN. Sexual Education, Principles, Fundamental and Methods from the perspective of the Quran and Hadith. Qom: Publisher Dar al-Hadith; 2014.
31. Imani A. Criminal Law Glossary. Tehran: Publisher Arian; 2004. [Persian]